■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اینترنتی: www.jjo.ir
■ www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به صورت همزمان در تهران و شهرستان‌های اصفهان، اهواز، تبریز، ساری و همدان (چاپخانه‌های روزنامه جام جم)

چهارشنبه ۱۹ دی ۱۳۹۷ | ۲ جمادی الاولی ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۲۹۵ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Wednesday - 2019 Jan 5

حدیث روز: بحارالانوار

پیامبر اسلام (ص):
هر کس یتیمی را سرپرستی کند تا بی‌نیاز شود، خداوند بهشت را بر او واجب می‌کند.

پلک احساس: مولانا

رها کن تا چو خورشیدی قبایی پوشم از آتش
در آن آتش چو خورشیدی جهانی را بیارایم

امروز در تاریخ:

- شهادت سردار سرلشکر پاسدار شهید احمد کاظمی (۱۳۸۴ش)
- درگذشت آیت‌ا... هاشمی رفسنجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۵ش)
- معرفی تلفن همراه آیفون از سوی شرکت رایانه‌ای اپل (۲۰۰۷)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۲/۱۱ — غروب آفتاب: ۱۷/۰۸
اذان مغرب: ۱۷/۲۸ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۲۷
اذان صبح (فردا): ۵/۴۶ — طلوع خورشید (فردا): ۷/۱۵

پیش‌بینی آب و هوا پنجشنبه

تهران	اهواز	ایلام	اراک	تبریز	زنجان	زاهدان	مشهد
۸ / ۲-	۱۵ / ۴	۶ / ۵-	۶ / ۸-	۱ / ۸-	۲ / ۱۲-	۲۱ / ۲	۱۰ / ۲-

حکمت ۴۳۶: نهج‌البلاغه

شایسته‌ترین مردم به بزرگواری، آن است که بزرگواران را با او بسنجند.

گفت‌وگو با امام جمعه ساوجبلاغ که در روزهای سرد زمستانی فضای مصلای شهر را برای دستفروشان مهیا کرد

دستفروشی در پناه شبستان

فاطمه مرادزاده
ایران

همه چیز از یک خبر کوتاه و مختصر شروع شد؛ خبری که خیلی زود به بیشتر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی راه یافت... خبر این بود: «امام جمعه شهرستان ساوجبلاغ در استان البرز در خطبه‌های نماز جمعه به دستفروشان پیشنهاد داده که می‌توانند در روزهای سرد زمستان از ساختمان مصلی برای فروش محصولات خود استفاده کنند.» در دوره‌ای که بسیاری از مسؤولان متهمند به شعارزدگی و دور شدن از فضای عمومی جامعه و پاسخ ندادن به مطالبات مردمی، شنیدن چنین تصمیم و برنامه‌ای از تریبون نماز جمعه، یعنی روشن شدن بارقه‌های امید، یعنی واهی بودن تصور ایجاد فاصله میان مردم و مسؤولان و یعنی... خبر کوتاه بود و می‌شد حدس زد که حکایات جالبی پشت این تصمیم نهفته است، پس به سراغ امام جمعه جوان رفتیم؛ حجت‌الاسلام والمسلمین روح‌ا... مختاری که به ما گفت ۳۹ سال دارد و چند ماهی است از شهرستان حاجی‌آباد هرمزگان به ساوجبلاغ منتقل شده. حرف‌های زیادی برای گفتن داشت و ما هم مشتاق شنیدن بویژه آنکه از لابه‌لای گفته‌هایش متوجه شدیم اولین بارش نیست دست به خیر شده و آنچه از سفارشات مولا امیرالمومنین در خطبه‌هایش برای مردم قرائت می‌کند، پیش از آن خود در عمل به آن جلودار است. امام جمعه سیرجانی‌الاصل ساوجبلاغ روزهای پرمشغله‌ای دارد؛ از برنامه‌ریزی فرهنگی برای مردم شهر گرفته تا حضور هفتگی در جمع کسبه و بازار و کارخانه‌داران و تولیدکنندگان و مدارس شهر و حضور شبانه در مساجد محله‌های مختلف شهرستان برای شنیدن درددل‌ها و مشکلات مردم و انعکاس آن به مسؤولان و رفع این مشکلات.

ما فقط خبر کوتاهی از پیشنهاد شما به دستفروشان مبنی بر امکان حضورشان در مصلای ساوجبلاغ برای فروش محصولاتشان در روزهای سرد زمستان شنیدیم، خودتان بفرمایید ماجرا از چه قرار بوده؟

دوشنبه و سه شنبه هفته پیش بود که برای بررسی مشکلات مردم و کسبه، به بازار و خیابان اصلی شهر که محل استقرار صنوف مختلف است، رفتم. از آنجا که مردم گلایه‌های زیادی از گرانی و سختی شرایط زندگی و دشواری‌های اقتصادی دارند و این شکایات را پیش ما می‌آورند، مصمم شدم خودم به کف بازار و به میان صنوف و کسبه مختلف بروم و درددل آنها را هم بشنوم، شاید که بشود راهی برای تعامل میان عموم مردم و اهل بازار و تسهیل شرایط خرید و وضع اقتصادی مردم فراهم کرد. در کنار بازدیدی که از بازار داشتم، دستفروشان را هم دیدم و گفت‌وگویی با آنها داشتم. میان این دستفروشان از پیرمرد ۷۰ ساله تا نوجوان ۱۱-۱۰ ساله دیده می‌شد. وقتی نوجوانی را صدا کردم تا گفت و گویی با وی داشته باشم و در حین احوالپرسی دستش را گرفتم، آنقدر سرد و یخ زده بود، که اذیت شدم. آنطور که به من گفت کلاس هفتم بود و صبح‌ها به مدرسه می‌رفت و بعد از مدرسه تا پاسی از شب در گرما و سرما دستفروشی می‌کرد. همان موقع هم از دستفروشان و هم از کسبه پرسیدم که آیا مسؤولان جایی برای استقرار دستفروشان در نظر نگرفته‌اند که جواب شنیدم شهرداری جایی در بیرون از شهر تدارک دیده که کسی تمایل به حضور در آنجا ندارد که البته طبیعی هم بود، دستفروش باید در مرکز شهر باشد تا بتواند جنسش را بفروشد نه در حاشیه شهر. روز جمعه ماجرا را در خطبه‌ها مطرح کردم. آن‌هم با اشاره به بخشی از نامه حضرت علی (ع)، به کارگزارش؛ عثمان بن حنیف در بصره که فرمود: "آیا به این قناعت کنم و دلخوش باشم که به من امیر مومنان گفته شود، ولی در سختی‌های روزگار با آنان شریک نباشم، یا در تلخی‌های زندگی الگویشان محسوب نشوم." و بعد ادامه دادم که ما مسؤولان و منِ امام جمعه هم اگر نتوانیم مشکل و دردی از مردم حل کنیم، بودن و ماندنمان در این جایگاه فایده و توجیهی ندارد. درنهایت ماجرای حضورم در میان کسبه و دستفروشان و مشاهده روزگار سخت دستفروشان را هم برای مردم در خطبه‌ها بیان و همانجا اعلام کردم که اگر برنامه‌ای برای ساماندهی دستفروشان در مرکز شهر وجود ندارد، مصلای ما که در قلب شهر است، از همین حالا و به طور رایگان در تمام ایام هفته (از شنبه تا غروب پنجشنبه)، در اختیار این قشر شریف و زحمتکش جامعه است، چراکه مصلی متعلق به خود مردم است.

فکر می‌کنید این تصمیم شما به گوش دستفروشان رسیده باشد؟

اتفاقا چون فکر کردم ممکن است به گوش آنها نرسیده باشد، روزهای بعد دوباره به میان دستفروشان رفتم و خودم رودررو به آنها گفتم که مصلی با همه امکاناتش در اختیار شماست و این را هم گفتم که خودمان در تریبون نماز جمعه برایتان تبلیغ هم می‌کنیم تا مردم هم درجریان این امر قرار گرفته و کاسبی‌تان هم رونق بگیرد.

مصلای ساوجبلاغ چه امکاناتی برای دستفروشان (بجز واقع شدن در مرکز شهر) دارد؟

این مکان حدود ۴ تا ۵ هزار مترمربع فضای سرپوشیده دارد. همچنین امکاناتی مثل وسایل گرمایشی و ...کل این فضا در اختیار دستفروشان خواهد بود، البته از آنجا که ما هر روز ظهر در مصلی نماز جماعت به جا می‌آوریم، فقط حدود ۲۰۰ متر از آن را خواستیم که در اختیار خودمان باشد.

دستفروشان از چه زمانی می‌توانند در مصلی مستقر شوند؟

از هر زمانی که خودشان بخواهند و اعلام آمادگی کنند. البته قرار شده گروهی به نمایندگی از طرف کل جمعیت دستفروش بیایند و شرایط مصلی را بررسی کنند و ببینند مناسب حضور و فعالیتشان هست یا نه.

اطلاع دارید که ساوجبلاغ چه تعداد دستفروش دارد؟

بله، تقریبا حدود ۵۰۰ نفر و این یعنی ۵۰۰ خانوار از این طریق کسب معیشت و زندگی می‌کنند.

فضای مصلی را در اختیار دستفروشانی قرار می‌دهید که به صورت انفرادی و مستقل در سطح شهر مشغول به کارند، یا به جمعیت بزرگ دستفروشانی که احیانا در جمعه بازار و شنبه بازارها هم شرکت می‌کنند، تعلق می‌گیرد؟

هیچ تفاوتی میان دستفروشان نیست و همه می‌توانند از این فضا استفاده کنند؛ هر دست فروشی و هر کسی که مکان و سرپناه امن و گرم و مناسبی ندارد.

شما تصمیم‌تان را از ابتدا در نماز جمعه و از طریق تریبون آن اعلام کردید. پس از آن، از هیچ نهاد و سازمان دولتی و عمومی (مثلا شهرداری که ساماندهی دستفروشان بر عهده آن است)، تماسی با شما گرفته نشد؟

از نهادها و ارگان‌های متعددی برای تشکر و قدردانی تماس گرفته شد. اتفاقا شهردار هشتگرد (مرکز ساوجبلاغ)، هم با من تماس گرفت و گفت ما در حال ایجاد مکانی برای ساماندهی دستفروشان هستیم که البته قرار شد یک روز با هم از آن مکان بازدید کنیم تا درصورت مناسب بودن دستفروشان به آنجا منتقل شوند. تاکید هم کردیم، فضا باید مناسب باشد، یعنی جایی در مرکز شهر باشد که دستفروش امکان فروش اجناسش را داشته باشد و یا اگر چنین امکانی وجود ندارد، دست کم در چند نقطه در سطح شهر جایی برایشان فراهم شود، در غیراین صورت فضای مصلی در اختیار دستفروشان خواهد بود.

از خود دستفروشان هم بازخوردی دریافت کردید، بویژه زمانی که میان آنها رفتید و ماجرای مصلی را برایشان توضیح دادید.

من وقتی به میان دستفروشان رفتم، به آنها گفتم که این کار، کار کوچکی برای شماست که از دست ما برمی‌آمد و بهترین بازخوردی که از آنان گرفتم این بود که گفتند همین که فهمیدیم کسی به فکر ما هست، برایمان کافی است، حتی اگر مصلی را در اختیارمان قرار نمی‌دادید.

بازخورد منفی نداشتید. مثلا واکنش‌هایی از این دست که بگویند شما با این تصمیم‌تان، اقشار مختلف را پرتوقع می‌کنید؟

نه تنها هیچ بازخورد منفی از سوی هیچ فرد و هیچ نهادی نداشتیم، همانطور که درجریانید بازتاب‌های بسیار مثبتی در رسانه‌ها و بین مردم داشت که نشان می‌دهد مردم تشنه و مشتاق این تصمیمات از سوی مسؤولان هستند.

از سوی کسبه و اهل بازار چه طور بازخورد منفی نداشتید؟ آنها بیش از هر قشری ممکن است نگران بی‌رونق شدن کسب و کارشان بشوند، درحالی که احتمالا مبالغ سنگینی برای اجاره مغازه و هزینه‌های آب و برق و مالیات می‌دهند.

اتفاقا بد نیست بگویم زمانی که برای گفت‌وگو با کسبه و بررسی شرایط کاریشان به بازار رفتم، در اولین مغازه‌ای که وارد شدم، فروشنده سفارش دستفروشان را به من کرد و گفت اگر قرار است جایی هم برای این قشر در نظر گرفته شود، باید در مرکز شهر باشد تا امکان فروش داشته باشند. این خودش نشان می‌دهد نوعدوستی در میان مردم ما وجود دارد و کاسبان ما درحالی که به رونق کاروبار خودشان می‌اندیشند، شرایط آن پیرمرد ۷۰-۶۰ ساله‌ای که در سرما و گرما مجبور به کار و کاسبی و ارتزاق از این طریق است را هم درک می‌کنند. ما و همه کاسبان هم باید این مهم را بپذیریم که اگر این افراد کار نداشته باشند، ۵۰۰ خانواده در معرض طلاق و اعتیاد و فروپاشی است و در این صورت کل جامعه دچار آسیب و صدمه خواهد شد و این آسیب‌های اجتماعی دامن همه مان را خواهد گرفت. کمااینکه برخی از آن دستفروشان که من با ایشان گفت‌وگو کردم، از هموطنان کرمانشاهی بودند که بعد از زلزله و تخریب خانه و نابودی کسب و کارشان، به ناچار تن به مهاجرت و حاشیه نشینی در اطراف شهرهای بزرگ و دستفروشی داده بودند.

در ابتدای گفت‌وگو فرمودید که برای صحبت با کسبه و بررسی اوضاع و احوال آنها به بازار رفته بودید. حضور در میان آنها (بجز نفعی که برای دستفروشان داشت)، نتیجه و عایدی خاصی برای کسبه ساوجبلاغ یا مردم این شهرستان هم داشت؟

ما متوجه شدیم که مواردی چون هزینه‌های سنگین اجاره مغازه و پول آب و برق و گاز و ... باعث می‌شود که مغازه‌دار جنسش را گرانتر عرضه کند و بار این هزینه‌ها به روی دوش مردم بیفتد. کاری که از دست ما برمی‌آمد و انجام دادیم این بود که از سویی از کسبه درخواست کنیم که با مردم بیشتر مدارا کنند و به‌ویژه هوای نیازمندان و فقرا را داشته باشند و حتی اگر نیاز شد روی کمک و حمایت ما هم حساب کنند و از سویی از مردم هم در نماز جمعه خواستیم که در مواردی چون دریافت اجاره مغازه با اهل بازار مدارا و همراهی کنند تا این تعامل دوسویه به نفع هر دو طرف تمام شود.

شما با ورود به مشکل دستفروشان، تقریبا به یک حوزه مهم آسیب اجتماعی ورود کردید. می‌خواهیم بدانیم موارد دیگری از این دست بوده که به آن ورود کرده و مشکلی از مردم رفع کرده باشید؟

من چند ماهی است امام جمعه ساوجبلاغ شده ام و پیش از آن به مدت ۸ سال امام جمعه شهر حاجی‌آباد هرمزگان بودم. در آنجا تا حد ممکن تمام کارهای خانه و خانواده همچون خرید و .. را شخصا انجام می‌دادم. به این دلیل که گاهی با ورود به یک مغازه مثلا تره بار می‌توانستم با فروشنده‌ای وارد گفت‌وگو شوم که تا آن زمان هرگز پایش به نماز جمعه باز نشده بود، اما مشکلش را با من مطرح می‌کرد و من هم آن را به مسؤولان شهر ارجاع می‌دادم و هم مشکل وی حل می‌شد و هم پس از آن ماجرا شاهد حضورش در نماز جمعه و جماعت بودیم. و البته از این دست برنامه‌ها در حاجی‌آباد زیاد داشتیم و ان شاءا... در ساوجبلاغ هم از این پس خواهیم داشت.

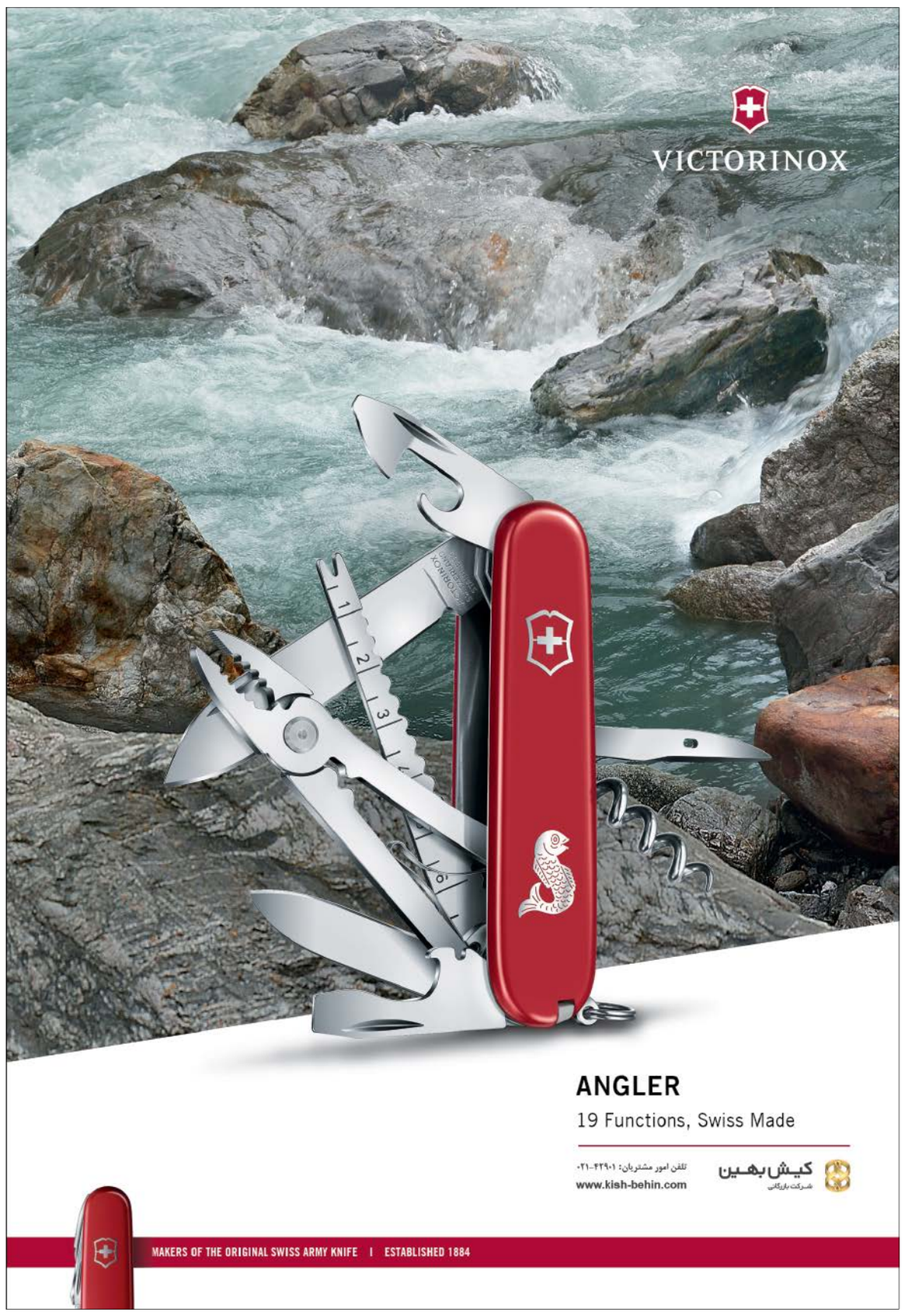

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری
شاعر و نویسنده

در ستایش کم‌کم رفتن...

اگر بچه ندارید، خدا بهتان بدهد اگر هم دارید حتما تجربه پارک بردنش را داشته اید و این حرفی را که می‌خواهم بزنم تایید می‌کنید. این خصلت بچه‌هاست یا شاید هم خصلت بشر دوپاست که چه؟ عرض می‌کنم.

پارک که می‌بریشان مهم نیست نصف روز بازی کرده باشند یا نیم ساعت. تا از بین لب‌هایت این جمله پرواز کند که: خب دیگه بریم خونه! یك بابا نه یا یك مامان نه! کشدار و معترض از بین لب‌هایشان پرواز می‌کند و به جنگ جمله تو می‌آید. بعد اگر بگویی همین که گفتم؛ می‌گویند: دوتا تاب دیگه بخورم! سه تا سرسره دیگه بریم! یه ذره دیگه چرخ و فلك بازی کنم! و تو کوتاه می‌آیی. این که بهشان فرصت بدهی و کوتاه بیایی از خودت عدول کرده‌ای، این که سفت بگویی نه، یك شب قشنگ را برایشان خراب کرده‌ای.

من خودم همیشه این جور وقت‌ها با یك کلمه معمولی این معضل را حل می‌کنم. من در اوج بازی بچه‌ها می‌گویم: خب بچه‌ها دیگه کم‌کم بریم ... همه بار این جمله روی همان کلمه «کم‌کم» است. اصلا با هر که خواستید از هر کجا خواستید بروید کم‌کم بروید. کم‌کم رفتن خیلی آدم را اذیت نمی‌کند. کم‌کم رفتن به آدم قدرت تصمیم‌گیری می‌دهد و اجازه می‌دهد مثلا بچه‌ها بازی کردنشان را مدیریت کنند. فقط مرگ است که کم‌کم ندارد و یکهویی است. رفتن بد است. کم‌کم رفتن قابل تحملش می‌کند. یك هو رفتن زیر پا را خالی می‌کند، دل را خالی می‌کند. زندگی‌ات را پوك می‌کند. بعد جای خالی عین جای خالی دندان درد می‌گیرد خونریزی می‌کند بی‌تابی می‌آورد و خلاصه پدر درآور است. همین کم‌کم رفتن را سعدی این‌گونه نوشته: ای کاروان آهسته ران کارام جانم می‌رود...

یونیفرم‌های هوشمند در مدارس چین

به تازگی دانش‌آموزان برخی مدارس چین موظف به پوشیدن یونیفرم‌های هوشمند شده‌اند. به گزارش فارس، در حال حاضر بیش از ده مدرسه در جنوب غربی استان «گوئیژو» برای بهبود حضور و ایمنی دانش‌آموزان از یونیفرم‌های هوشمندی استفاده می‌کنند. هر یونیفرم دارای دو تراشه است که زمان ورود و خروج دانش‌آموزان را به صورت خودکار برای پدر و مادر و معلمان ارسال می‌کند. با ترک کردن بدون اجازه مدرسه، صدای هشداری به صورت خودکار قصد دانش‌آموز از فرار را آشکار می‌کند. از طرفی دانش‌آموزان حتی نمی‌توانند به فکر تعویض لباس بیفتند، زیرا هر یونیفرم منطبق با چهره دانش‌آموز طراحی شده است و در ورود به مدرسه آن را تشخیص داده و اگر مطابقت نداشته باشد، هشدار می‌دهد.

بوی ماهی، بچه را کشت

کودك ۱۱ ساله‌ای که به مهمانی مادربزرگش در نیویورك رفته بود با مرگ دلخراشی از دنیا رفت. به گزارش ایلنا، او به خاطر بوی شدید ماهی که به آن آلرژی داشت، فوت کرد. مشخص نیست پسر بچه در آشپزخانه چه کار می‌کرد اما مشخص شده او حتی ماهی را نچشیده و فقط از بوی آن که همه فضای آشپزخانه را پر کرده بوده تنفس کرده است. پسر بچه بیهوش شده و خانواده با آمبولانس تماس گرفتند، اما در بیمارستان نتوانستند برای او کاری کنند. دلیل واقعی مرگ وی پس از کالبدشکافی مشخص خواهد شد، اما والدینش مطمئن هستند بوی ماهی علت این حادثه است.